

## إعادة تعريف المعايير الأخلاقية في العلاقة الزوجية السلمية من منظور أصول الأخلاق الجنسية في الإسلام

نصرالله فاطمي أمين<sup>١</sup>، محمدسعید كرمي<sup>٢</sup>، محسن طالي<sup>٣</sup>، مهدي شعباني<sup>٤</sup>

١- مدرسة آية الله الجليلي الخميني، طهران، إيران.

٢- قسم الأخلاق التطبيقية، كلية الأخلاق، مؤسسة التعليم العالي للأخلاق والتربية، قم، إيران.

٣- قسم التاريخ والحضارة الإسلامية، كلية التربية والفكر الإسلامي، جامعة طهران، طهران، إيران.

٤- قسم القانون، كلية العلوم الإنسانية، فرع غرب طهران، جامعة آزاد الإسلامية، طهران، إيران.

\* المراسلات الموجهة إلى السيد نصرالله فاطمي أمين؛ البريد الإلكتروني: [fatemiamin133@gmail.com](mailto:fatemiamin133@gmail.com)

### الملخص

**خلفية البحث وأهدافه:** تبلور علم الأخلاق الجنسية من أجل نمذجة السلوك الجنسي لدى الإنسان من أجل تنظيم السلوك الجنسي وإخضاعه لمعايير أخلاقية. ومن هذا المنطلق يقوم علم الأخلاق الجنسية بدراسة هذا الجانب البشري. ومن أهم القضايا التي يهتم بها هذا المجال هي تنظيم العلاقة الجنسية بين الزوجين. فقد تناول علم الطب وعلم النفس هذا الجانب البشري كل من منظوره. لكن لم تجر حتى الآن دراسة ممنهجة تتناول رأي الشريعة الإسلامية في هذا الأمر. فقد تسعى هذه الدراسة إعادة تعريف وبلورة رأي الإسلام حول معايير الأخلاق الجنسية في منظومة القيم الأخلاقية الإسلامية وتعريف العلاقة الجنسية السلمية من منظور الإسلام.

**منهجية البحث:** تعتمد هذه الدراسة المنهجية التحليلية بناء على التراث الإسلامي (الآيات و الأحاديث). وبالنظر إلى أنّ الآيات والروايات تأخذ حيزاً كبيراً من هذه الدراسة، فقد كانت المصادر التاريخية والتراثية هي المرجع والمصدر الأساس للدراسة. لكننا في الجزء التحليلي ودراسة المعطيات قد أضفنا إلى فهم النصوص التراثية، المناهج الحديثة و الآراء المعاصرة في فهم التراث الديني. لم يشر مؤلفو البحث الى التضارب في المصالح.

**المعطيات:** تنقسم النصوص التراثية في هذه الدراسة إلى أربعة أجزاء تتعلق بموضوع البحث. فكانت مآلات و نتائج تحليل هذه الروايات استخراج عدد من الأصول الأخلاقية التي تحدد لنا حدود العلاقة الجنسية السلمية.

**الاستنتاج:** توصل البحث من خلال المعايير الأخلاق الجنسية/الروحية السلمية بين الزوجين، أنّ العلاقة تتأطر في أطر اخلاقية تنحصر فيها العلاقة الجنسية. فتأطير هذه العلاقة في أطرها الخاصة تعزز وشائج الأسرة و تعزز أركان الحياة الزوجية.

### معلومات المادة

الوصول: ٢٩ ذي القعدة ١٤٤١

وصول النص النهائي: ١٨ ذي الحجة ١٤٤١

القبول: ١ صفر ١٤٤٢

النشر الإلكتروني: ١٨ شعبان ١٤٤٣

### الكلمات الرئيسية:

الأخلاق الجنسية

العلاقة الجنسية

العلاقة الزوجية السلمية

الرموز الأخلاقية

يتم استناد المقالة على الترتيب التالي:

Fatemi-Amin N, Karami MS, Talebi M, Shabani M. Reexamining the Ethical Criteria Related to the Normal amount of Sex with an Emphasis on the Principles of Sexual Behavior in Islam. Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat. 2022;8(1):160-174. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v8i1.31401>

## بازشناخت ملاک‌های اخلاقی مقدار رابطه زناشویی بهنجار با تأکید بر اصول اخلاق جنسی اسلام

نصراله فاطمی امین<sup>۱\*</sup>، محمدسعید کرمی<sup>۲</sup>، محسن طالبی<sup>۳</sup>، مهدی شعبانی<sup>۴</sup>

۱- حوزه علمیه آیت الله جلالی خمینی، تهران، ایران.

۲- گروه اخلاق کاربردی، دانشکده اخلاق، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

۳- گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*مکاتبات خطاب به آقای نصراله فاطمی امین؛ رایانامه: [fatemiamin133@gmail.com](mailto:fatemiamin133@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

دریافت: ۳۱ تیر ۱۳۹۹

دریافت متن نهایی: ۱۸ مرداد ۱۳۹۹

پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۳۹۹

نشر الکترونیکی: ۱ فروردین ۱۴۰۱

### واژگان کلیدی:

اخلاق جنسی

رابطه جنسی

رابطه زناشویی بهنجار اسلامی

کد اخلاقی

### چکیده

**سابقه و هدف:** دانش اخلاق جنسی به منظور الگودهی رفتاری ساحت جنسی انسان، در نتیجه کنترل و هدفمندسازی رفتار جنسی شکل گرفته است. از این رو این دانش هنجارهای اخلاقی رفتار جنسی را بررسی می‌کند. یکی از مسائل مهم در این حیطة تعیین مقدار مطلوب رابطه جنسی است. در این باره از دیدگاه‌های گوناگون پزشکی و روان‌شناختی پژوهش‌هایی انجام گرفته است، اما تاکنون مرزهای اخلاقی رابطه خوب از دیدگاه اسلام به صورت روشمند بررسی نشده است. هدف پژوهش حاضر بازشناخت ملاک‌های اخلاقی مقدار رابطه زناشویی بهنجار با تأکید بر اصول اخلاق جنسی اسلام بود.

**روش کار:** پژوهش حاضر از نوع اسنادی-تحلیلی است که بر پایه منابع اسلامی (آیات و روایات) انجام شده است. به دلیل اتکای این پژوهش بر آیات و روایات، تعداد زیادی از منابع اصیل و قدیمی به عنوان مرجع تحقیق بررسی شد ولی در بخش تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات علاوه بر روش فهم متون دینی به دیدگاه‌های معاصر نیز توجه شده است. مؤلفان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی گزارش نکرده‌اند.

**یافته‌ها:** از اسناد مکتوب و تحلیل محتوای آنها چهار دسته روایت درباره موضوع پژوهش به دست آمده است. بررسی این روایات به استنباط چندی از اصول اخلاقی و کدهای برآمده از آنها منتهی شد و در پی آن مرزهای اخلاقی رابطه جنسی زناشویی بهنجار تبیین گردید.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس کدهای اخلاقی ارائه شده، رابطه جنسی-عاطفی مطلوب بین زوجین محصور به چارچوب‌های اخلاقی است. توجه به مرزهای اخلاقی رابطه، علاوه بر فضیلت‌مند کردن آن می‌تواند به پایدار شدن خانواده و رضایت زناشویی کمک نماید.

استناد مقاله به این صورت است:

Fatemi-Amin N, Karami MS, Talebi M, Shabani M. Reexamining the Ethical Criteria Related to the Normal amount of Sex with an Emphasis on the Principles of Sexual Behavior in Islam. Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat. 2022;8(1):160-174. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v8i1.31401>

## مقدمه

یکی از مسائل مهم درباره رابطه جنسی تعیین مقدار مطلوب و نوع رابطه است. به دلیل نسبی بودن موضوع، تعبیر کم و زیاد در یک پیوستار قابل تصور است اما تعیین حدود آن در عبارات درون‌متنی دینی و اسلامی نیاز به کاوشی عمیق دارد. از طرفی ملاک‌های متعددی را می‌توان برای یک رابطه مطلوب و به‌دور از افراط و تفریط از دیدگاه‌های مختلف معرفی نمود، اما این پژوهش تنها به دنبال ملاک اخلاقی مقدار رابطه زناشویی بهنجار در مسئله است. مثلاً روان‌شناسان می‌توانند بگویند که چه مقدار رابطه برای بهزیستی روان‌شناختی ضروری است و اگر رابطه جنسی از چه مقدار کمتر باشد موجب اختلالات و بیماری روانی خواهد شد (۱، ۲). همچنین یک فیزیولوژیست می‌تواند بگوید برای تعادل هورمون‌ها یا پیشگیری از سرطان‌های مربوط به غدد جنسی چه مقدار رابطه جنسی ضرورت دارد و یا اینکه اگر رابطه از چه مقدار بیشتر باشد در کار پروستات، بیضه‌ها و غدد دیگر اختلال ایجاد می‌شود (۳).

به‌طور کلی، اصل رفتار جنسی و افزایش و کاهش میل جنسی وابسته به متغیرهای گوناگون است و تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های بسیاری شکل می‌گیرد (۱). در ارزیابی کمیّت و کیفیت رابطه جنسی باید به سن، میزان فعالیت روزانه، تغذیه، تحریکات شهوانی و اموری از این دست توجه نمود. «قدرت، محبت، صمیمیت و میل جنسی همسران تعیین‌کننده فواصل و تعداد مقاربت است» (۲). بنابراین یکی از راهکارهای تشخیص زمان مقاربت توجه به قدرت و میل طبیعی فرد است. علاوه بر این، اخلاق پژوهان نیز می‌توانند برای حداقل و حداکثر رابطه جنسی با ملاک‌های اخلاقی معیاری را معرفی نمایند. بر مبنای اخلاق اسلامی، اصول مرتبط با مسئله این پژوهش عبارت است از: اعتدال فردی، خویش‌داری و کنترل نفس در ارتباط با مسائل حلال، توجه به نیازهای فردی، رعایت عدالت، احترام، مودت و رحمت نسبت به همسر (۴). اما این تعابیر همچنان کلی است و برای مشخص شدن ابعاد پنهان مسئله، نیازمند کدهای جزئی و تبیین نمونه‌های روا و ناروای آن در حیطه ذکرشده در عنوان است. منظور از کدهای اخلاقی، فهرستی از الزامات و تعهدات اخلاقی است که به‌صورت الگویی رفتاری تدوین می‌شود (۵) و وظیفه اخلاقی فرد را با در نظر داشتن موقعیت معین و قیود خاص به‌صورت جزئی‌تر از اصل اخلاقی مشخص می‌کند (۶).

## روش کار

به‌منظور دستیابی به نتایج جدید، ابتدا روایاتی که در این‌باره وجود دارد مطرح و ارزیابی هنجارشناختی شد. جست‌وجوی روایات بر اساس واژگان کلیدی و پرکاربرد در این زمینه انجام شده است. این کلیدواژه‌ها عبارت است: از شهوت، جماع و نکاح، لذت، عفت و عفاف، کفاف و حق همسر. در عین حال پس از جست‌وجوی کلیدواژه‌ها، احادیث درباره موارد یافت‌شده نیز بررسی شد. در نهایت کدهای اخلاقی مربوط به مقدار رابطه جنسی مطلوب از دیدگاه اخلاق اسلامی ارائه شد.

## یافته‌ها

**تحلیل هنجارشناختی و بررسی روایات مرتبط با مسئله**  
در پژوهش حاضر تنها روایاتی بررسی شده است که ارتباط مستقیم با میزان رابطه جنسی خوب (حلال) دارد. این مجموعه به چهار دسته تقسیم می‌شود: روایات پیامدگرایانه، روایات فضیلت‌گرایانه، روایاتی که به‌صورت مصداقی میزان رابطه را مشخص کرده است و در نهایت روایاتی که مربوط به وظایف جنسی زوجین است.

**دسته نخست: پیامدگروی نسبت به اصل شهوت جنسی**  
شهوت در لغت به‌معنای علاقه زیاد و رغبت شدید به چیزی است (۷، ۸) که شهوت جنسی یکی از مهم‌ترین و بارزترین نمونه‌های آن به شمار می‌آید.

روایات بسیاری در زمینه کنترل شهوت و سپردن آن به دست عقل وحیانی وجود دارد. در نظام تقابلی عقل وحیانی (۹) و هوا<sup>۱</sup> (۱۰، ۱۱) چنانچه غلبه با هوای نفس باشد، پیامدهای ناگواری در انتظار انسان است و چنانچه عقل با راهنمایی آموزه‌های اسلام ناب پیروز گردد، نیازها به‌اندازه و به‌صورت مطلوب برآورده خواهد شد.

روایات در این دسته به دو گروه تقسیم می‌شود: گروه اول آنهایی که به پیامدهای معنوی و منفی شهوت‌رانی اشاره دارد و گروه دوم روایاتی است که به آثار زیانبار افراط در آمیزش جنسی توجه کرده است.

(۱) در زمینه تقابل عقل و هوا روایات فراوانی وجود دارد. یکی از آنها روایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است که فرمود: «فَاتَىٰ هَوَاكَ بِعَمَلِكَ» و یا مانند این فرمایش ایشان که از اسارت عقل در زندان هوای نفس یاد فرمودند: «وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِرَ تَحْتَ هَوَىٰ أَمِيرٍ».

### گروه نخست: پیامدهای معنوی منفی شهوترانی

از منظر روایات، برخی از زیان‌های زیاده‌روی در شهوت‌طلبی عبارت است از اینکه دل را از شیرینی ایمان تهی می‌کند (۱۲)، موجب ارتکاب گناهان می‌شود (۱۳)، جوانمردی را از بین می‌برد (۱۳)، عصمت و پاک‌دامنی را خدشه‌دار می‌کند و موجب هلاکت (۱۳)، نقص و سبک‌سری می‌شود (۱۳)، سلامت روانی را از بین می‌برد (۱۳) و عقل را زایل می‌کند (۱۴). قلبی که از شهوات پر شده است نمی‌تواند جایگاهی برای حکمت باشد (۱۳) و شخص شهوت‌پرست نمی‌تواند به مقام امامت پرهیزکاران دست یابد (۱۵)؛ زیرا اساساً این خصلت با ورع ناسازگار است (۱۲). درمقابل برای کنترل شهوت و سرکشی نفس به راهکارهای شناختی مانند تقویت حکمت و عقل و توجه به زوال و پایان‌پذیری لذت‌های دنیا اشاره شده است (۱۳). همچنین در روایات راهکارهای عملی مانند اشباع صحیح امیال (۱۶)، توصیه به اختصار (۱۳) و توصیه به بی‌پاسخ‌گذاشتن زیاده‌خواهی‌های نفس وجود دارد (۱۳). روش‌هایی نظیر فاصله‌گرفتن از زمینه‌های ایجاد و تحریک شهوت، برنامه‌ریزی دقیق برای بیکارنبودن، تقویت شخصیت معنوی خویشتن و... نیز می‌تواند در کاهش آسیب‌های جنسی مؤثر باشد.

### تحلیل و بررسی روایات گروه نخست

روایات یادشده غالباً از نظر ارسال ضعیف است و بیشتر آنها در منبعی غیر از کتاب غررالحکم و دررالکلم یافت نمی‌شود. اما از نظر محتوا هیچ‌یک از روایات یادشده در مقام نفی و نکوهش اصل شهوت و رابطه جنسی زناشویی بهنجار نیست، بلکه به‌منظور نکوهش زیاده‌خواهی و شهوترانی در حیطة حرام صادر شده است. عباراتی مانند: «زیادی شهوت»، «غلبه شهوت»، «کسی که شهوت بر او غالب شده است» و «کسی که همنشین شهوت شده است» نشان‌دهنده این معنا است. این خانواده حدیثی نشان می‌دهد که باید شهوت توسط عقل و حیانی کنترل شود و چنانچه از کنترل عقل خارج شود و پیروزی با شهوت باشد، در نظام جسمی، روانی و معنوی انسان اختلال ایجاد می‌شود. بنابراین بهترین راه برای جلوگیری از سرکشی نفس و زیاده‌خواهی آن، اکتفانمودن به مصادیق حلال است. البته می‌توان گفت این دسته از روایات اگرچه به شیوه پیامدگروانه بیان شده است؛ اما درحقیقت به شخصیت سالم و متعالی اشاره دارد. از این رو، باید این روایات را در دسته دوم که روایات فضیلت‌گروانه است جای داد. شخصیت فضیلت‌مند باید از زیاده‌خواهی، سرکشی و طغیان، دوری از معنویت و...

پیراسته باشد. همچنین باید آراسته به فضایی نظیر حسن معاشرت، بردباری و عفاف در حیطة زناشویی گردد. با این‌همه این دسته از روایات ملاک و معیار رابطه جنسی حداقلی یا حداکثری را تبیین نکرده است.

### گروه دوم: پیامدهای جسمانی افراط در آمیزش جنسی

این دسته از روایات برخلاف دسته پیشین که به ضررهای معنوی شهوترانی توجه کرده است، به عوارض و پیامدهای مادی و جسمانی افراط در آمیزش به‌صورت مطلق می‌پردازد. پیامبر گرامی اسلام (ص) یکی از اسباب طول عمر را کم‌کردن رابطه جنسی با زنان برمی‌شمارد (۱۷). همچنین امام علی (ع) اصرار زیاد بر رابطه جنسی را از عوامل پیری زودرس می‌داند (۱۳). علاوه‌براین، ایشان شیفتگی و حرص‌زدن برای رسیدن به زنان را عامل محنت و بلا می‌داند (۱۳).

### تحلیل و بررسی روایات گروه دوم

این روایات نظیر گروه نخست در مقام نکوهش شهوترانی و دل‌مشغولی مداوم نسبت به غریزه جنسی و بعضاً در حیطة رابطه غیرزناشویی و حرام است. البته روشن است که باید در زندگی مشترک و استفاده حلال از غریزه جنسی نیز محدودیت‌های یادشده را در نظر داشت. بنابراین دل‌مشغولی‌های مداوم، توجه افراطی به غریزه جنسی و روابط غیرمنضبط از نظر معنوی، روانی و جسمی آسیب‌های فراوانی به‌دنبال خواهد داشت. بر اساس اخلاق اسلامی توجه بیش از اندازه به مسائل جنسی با ردیلت «حرص»، «هرزگی و غوطه‌ورشدن در تمایلات جنسی»<sup>۱</sup> و «شیدایی»<sup>۲</sup> (۱۸) گره خورده است. این بیماری‌های اخلاقی علاوه‌بر آسیب‌های جسمانی موجب اسارت روح می‌شود و از تعالی و کمال فرد جلوگیری می‌کند. بنابراین، دست‌کم به دو دلیل میانه‌روی در رابطه جنسی لازم است؛ اولاً به‌جهت رعایت عفاف و کفاف و ثانیاً به‌جهت رعایت عدالت نسبت به خود و همسر.

### دسته دوم: فضیلت‌گروی درباره شهوت جنسی

دسته دوم روایاتی است که از جهت رتبه و به‌صورت طبیعی پس از دسته نخست مطرح می‌شود. این روایات در مقام بیان ملاک کلی در خویشتن‌داری و بهره‌برداری از غریزه جنسی با کارکرد اخلاقی آن است که پس از نکوهش اصل شهوترانی و افراط مطرح می‌گردد. تأکید این روایات بر ساخت شخصیتی

۱) در روایات تعبیر به «شره» شده است.

۲) در روایات تعبیر به وکله شده است؛ یعنی کسی بر دست‌نیافتن به چیزی تا حدی محزون شود که عقل او زایل شود.

بسنده کند. البته منظور از نیاز در اینجا «خواهش‌های نفسانی» است. روشن است که خواسته‌های نفسانی مادامی که کاذب و دروغین نباشد مذمت نمی‌شود. به هر حال، خویش‌داری به معنی بی‌توجهی به نیازهای فردی و اجتماعی نیست بلکه به معنی استفاده از هر نعمتی متناسب با نیازهای مجاز فردی و اجتماعی است.

#### دسته سوم: تبیین مصداق رابطه جنسی خوب

دسته‌ای دیگر از روایات نه به شهوت به معنای عام آن، بلکه به رابطه جنسی به صورت خاص توجه کرده است. این روایات که با عنوان «کثرت نکاح»<sup>۱</sup> شهرت دارد، از نظر محتوا به بیان اخلاق انبیا و ویژگی‌های خوب اخلاقی آن بزرگواران پرداخته است. گویی این امر چنان پسندیده است که باید مردم دیگر نیز خود را به این الگوی رفتاری نزدیک کنند (۱۰، ۱۷، ۲۲). به جهت بسامد بالای عبارت «کثرت الطروقه» در این روایات و اختلاف نظر در تبیین آن ابتدا باید به بازشناسی این مفهوم پرداخت و پس از آن به بررسی روایات همت گماشت.

#### مفهوم‌شناسی طروقت

«طَرُوقَةٌ به فتح طاء بر وزن فَعُوله به معنای مفعوله و از ریشه «ط ر ق» به معنای کوبیدن است. در اصطلاح هر زنی طَرُوقَةٌ همسرش است» (۲۳-۲۵). «این وصف حتی در مواردی که آمیزشی در میان آنها رخ نداده باشد نیز به کار می‌رود» (۸، ۲۱). بعضی این واژه را به معنای جماع دانسته‌اند. این واژه در کتب معتبر لغت با معنای یادشده زیاد تکرار نشده است و از طرفی، اینکه بسیاری از لغویان معنای این واژه را ذکر نکرده‌اند می‌تواند در جهت فقه لغت این نظریه را ادعا کرد که این واژه در استعمالات روایی و غیر آن در معنای حقیقی خود به کار نرفته، بلکه معنای کنایی «زیادی نکاح» اراده شده است. البته یکی از موافقان این دیدگاه، علامه مجلسی است (۲۶). به هر روی کثرت طروقت یا به معنای زیاد جماع کردن و یا به معنای زیاد همسر داشتن است.

#### تحلیل و بررسی روایات دسته سوم

شارحان حدیث درصدد بیان معنی کثرت طروقت برآمده‌اند و در مواردی راوی پس از نقل فرمایش معصوم، دست به ترجمه و بیان منظور امام زده است. در روایتی که مرحوم طبرسی از امام رضا (ع) نقل کرده است، راوی کثرت طروقت را به معنی «آمیزش» (جماع) دانسته است (۲۷) و در روایتی که این

متعالی و ایجاد فضیلت‌هایی نظیر حیا، خودمهارگری، کنترل نفس، عفت، قناعت‌ورزی و بردباری است که بعضاً این عناوین در رابطه غیراسلامی و ناپه‌نجان مطرح است ولی می‌توان با تنقیح مناط و کشف علت کلی آن کدهای اخلاقی را به رابطه بهنجار و زناشویی نیز نسبت داد. می‌توان مفهوم خویش‌داری را با عناوین تقوا و به‌ویژه در مسائل جنسی با واژه‌هایی مانند عفاف و کفاف دنبال نمود. مفهوم مشترک بین این دو واژه کنترل نفس و خویش‌داری است. البته باید توجه داشت که این بحث بسی چالش‌برانگیز و لغزنده است؛ زیرا آمیختن مفاهیمی مانند خویش‌داری و تقوا و عفاف که بیشتر درباره رابطه ناسالم از دیدگاه اسلام به کار می‌رود با مفاهیمی مثل کفاف و حسن معاشرت با همسر که در حیطة رابطه سالم کاربرد دارد نیاز به استنباط دقیق و ظریف از متون دینی دارد. در مجامع روایی گاهی کفاف و عفاف در کنار هم ذکر شده است؛ مانند روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) که از خداوند برای خاندان و دوستان‌انشان آرزوی کفاف و عفاف می‌کند و گاهی مهم‌ترین رکن عفاف که اگر نباشد عفاف بی‌معنی خواهد بود، کفاف شمرده شده است (۱۹، ۲۰)؛ یعنی با این دو کلمه هم حداقل رابطه و هم حداکثر رابطه حلال مطرح می‌شود.

#### تحلیل و بررسی روایات دسته دوم

کفاف از ریشه «کف یکف» است. بر اساس نظریه اشتقاق کبیر باید مفهوم «جلوگیری از بروز کاری» در همه واژه‌هایی که از ریشه «ک ف ف» مشتق می‌شود، وجود داشته باشد (۷). از این رو کفاف به معنی «توقف در درخواست و احساس بی‌نیازی» است (۱۰). کسی که به کفاف و قناعت می‌رسد به قدر نیاز از بهره‌های دنیوی استفاده می‌کند و زیاده نمی‌آورد (۲۱).

یکی از ویژگی‌های انسان عقیف و برخوردار از تقوا مهار خویش‌داری است. یعنی شخصیت عقیف و متقی می‌تواند خود را از زیاده‌خواهی حتی در موارد حلال منع کند و در نتیجه از پیامدهای انتخاب نسنجیده و شتاب‌زده در امان باشد. این نکته رابطه کفاف و قناعت را روشن می‌سازد. کفاف که به معنای دست‌نگه‌داشتن است با واژه قناعت تفسیر شده است؛ زیرا بسیاری از اوقات پرهیز از شتاب‌زدگی موجب دیده‌شدن واقعیت‌های زندگی می‌شود. در این صورت نیازهای کاذب و گاه شیطانی به فراموشی سپرده می‌شود. فضیلت عفت و تقوا به انسان اخلاق‌مدار کمک می‌کند تا از خواسته‌های کاذب نفس در امان باشد و به ارضای نیاز طبیعی و واقعی خود

<sup>۱</sup> در روایات تعبیر به «کثرت الطروقه» شده که معنای کنایی آن کثرت نکاح است.



هزار همسر داشت (سیصد همسر آزاد و هفتصد کنیز) و یا پیامبر گرامی اسلام که تا پانزده همسر برای ایشان شمرده شده است و توان اداره همه این همسران را داشته‌اند (۳۰).

### اشکال به مضمون روایات دسته سوم

به نظر می‌رسد برخلاف تصور اولیه که این دسته از روایات در مقام تشویق و ترغیب مؤمنان تصور می‌شد، نمی‌توان به صورت کامل از پیامبران الگوبرداری نمود. زیرا بر اساس محتوای روایتی دیگر از همین خانواده روایی امام (ع) چنین توضیح می‌دهند که استکثار و زیاد همسر داشتن برای مردی خوب است که توانایی مالی برای اداره زندگی و قدرت جنسی برای تحصیل همسران خود داشته باشد و الا فضیلت در اکتفانمودن بر همان مقداری است که توانایی اداره آن را دارد (۳۲).

برخی از علما با بررسی روایات به این نتیجه رسیده‌اند که کثرت طروقت اصلاً به مفهوم زیاد نزدیکی کردن نیست، بلکه منظور زیاد زن داشتن است. وی این‌گونه برداشت کرده است که «کثرت آمیزش امری نامطلوب و به‌نوعی زیاده‌روی و افراط است» (۳۳). به هر روی، بنابر آنچه تاکنون گذشت می‌توان برای این ادعا چنین استدلال نمود: اولاً طروقت به ضم طاء به‌معنای «آمیزش جنسی» در کتب لغت‌شناسان کمتر به آن اشاره شده است. ثانیاً در مواردی که در ادامه روایت به آمیزش جنسی تفسیر شده این قسمت از امام معصوم نبوده، بلکه راوی یا شارح حدیث آن را اضافه نموده است و شاهد آن کلمه «یرید» و «یعنی» است که تفسیر راوی را از بیان امام جدا می‌کند. ثالثاً روایات دیگری در این باره وجود دارد که امام (ع) مقصود خود را بیان فرموده است و برخی از پیامبران را که تعداد زنان ایشان بیشتر از افراد دیگر بوده است، مثال زده‌اند. البته در این مقاله بررسی اخلاقی چندهمسری مدنظر نیست و تنها هدف آن بیان مقدار مطلوب رابطه جنسی از دیدگاه اخلاق اسلامی است.

با توجه به نکات یادشده به نظر می‌رسد در صورتی که حتی کثرت طروقت به‌معنای همسران زیاد باشد، در این موارد مرد برای تحصیل و رعایت عفت و پاک‌دامنی همسران خود هم که شده است، باید با آنها نزدیکی کند و این برای خود او کثرت طروقت به‌معنای مجامعت زیاد است. بنابراین، اصرار برخی از علما بر اینکه کثرت طروقت به‌معنای همسران زیاد باشد نه مجامعت زیاد تا مشکل زیاده‌روی در غریزه جنسی پیش نیاید، قابل توجیه نیست.

### راه حل صحیح اشکال

این مشکل با توجه به این مسئله است که تعبیر کم یا زیاد در

حیون از امام صادق (ع) نقل می‌کند راوی آن را به‌معنی «زنان» دانسته است، یعنی از اخلاق انبیا حمایت و نگهداری از زنان بسیار است (۲۸). این نقل‌ها نشان می‌دهد این ترجمه و تعریف‌ها فهم راوی از کلام امام است و امام مراد از طروقت را با صراحت بیان فرموده است. همچنین شارحان حدیث مانند علامه مجلسی در مرآت العقول و طریحی در مجمع‌البحرین، فرمایش امام را بر آمیزش جنسی فراوان حمل کرده‌اند؛ با این اختلاف که علامه مجلسی طروقت را به ضم طاء (۲۶) و طریحی به فتح طاء قرائت کرده‌اند (۲۹). آنچه اهمیت دارد سبک و سیاق فرمایش معصومان (ع) در بیان کثرت طروقت است. کثرت طروقت به گونه‌های مختلف در احادیث تکرار شده است:

۱) نوع اول احادیثی است که کثرت طروقت را از اخلاق انبیا شمرده است و توضیح اضافی ندارد. متن این روایات شبیه به یکدیگر است. البته بعضی از آنها سه ویژگی و بعضی چهار ویژگی برای انبیا معرفی می‌کند. نمونه‌ای از این روایات حدیثی از امام رضا (ع) است که می‌فرماید سه چیز از سنت پیامبران است عطرزدن، کوتاه کردن مو و کثرت طروقت.

۲) نوع دوم احادیثی که کثرت طروقت را همچنان که از خصال انبیا می‌داند، آن را یکی از ویژگی‌های نیکوی خروس می‌شمارد. در این روایات نیز پنج ویژگی خروس یاد شده است که یکی از آنها کثرت طروقت است (۳۰). البته از این روایات نمی‌توان نتیجه گرفت که منظور از کثرت طروقت، تعداد زیاد همسران است یا مجامعت زیاد، زیرا خروس از هر دو خصلت برخوردار است. اگرچه رفتار جنسی خروس نسبت به بعضی از حیوانات مانند «بونوبو»<sup>۱</sup> بسیار ناچیز است (۳۱)<sup>۲</sup>، اما به هر حال دفعات آمیزش خروس همچون تعداد مرغ‌های مرتبط با او زیاد است.

۳) نوع سوم، احادیثی است که یکی از اخلاقیات انبیا را کثرت طروقت می‌داند و در ادامه توضیح می‌دهد که کثرت طروقت انبیا چگونه بوده است.

در برخی از روایات پس‌ازآنکه امام (ع) کثرت طروقت را به‌عنوان ویژگی خوب پیامبران معرفی می‌نمایند، در ادامه می‌فرمایند: پیامبرانی همچون سلیمان نبی (علیه‌السلام) که

<sup>۱</sup>) Bonobo

<sup>۲</sup> در واقع بیشتر جانوران در دنیای حیوانات تنها طی دوره‌هایی کوتاه‌مدت که جنس ماده‌شان در حال تخم‌گذاری است، دست به آمیزش جنسی می‌زنند. تنها همین دو جانور (انسان و بونوبو) می‌توانند این کار را هر هفته و به دلایلی غیر از تولید مثل انجام دهند.

بر گردن همسر او است» (۱۰). با توجه به این روایات نه تنها چندهمسری در صورت ناتوانی جنسی مرد دچار اشکال می‌شود، بلکه می‌توان استنباط نمود که از وظایف مرد تأمین نیاز جنسی همسرش است تا حدی که دامان خویش را به گناه آلوده نسازد. این نوعی توضیح کیفی نسبت به مسئله است. درحقیقت کیفیتی خاص به‌عنوان حداقل رابطه جنسی با همسر در نظر گرفته شده است و آن «به گناه نیفتادن زوجه» است. علاوه بر این، بیان کیفی از حداقل رابطه جنسی با همسر، روایاتی درباره کمیت یک رابطه حداقلی نیز وجود دارد. در برخی از روایات آمده است که «مردی که تا چهار ماه با همسر جوان خویش بدون اذن او رابطه جنسی برقرار نمی‌کند، گناهکار است» (۳۶). در روایتی دیگر که شرایطی بحرانی برای رابطه زناشویی تصویر شده است از امام صادق (ع) نقل شده است: «مردی که به دلیل کشمکش و دعوای خانوادگی به همسر خود نزدیک نمی‌شود یا باید با همسر خویش بر مبلغی مصالحه کند تا بتواند به او نزدیک شود و یا او را طلاق دهد تا آزادانه حق انتخاب داشته باشد» (۱۰). شاهد دیگر بر اینکه چهار ماه مربوط به وضعیت‌های بحرانی مانند دوران طلاق عاطفی است، روایاتی است که درباره «ایلاء» وجود دارد. «ایلاء» در اصطلاح شرعی آن است که مرد به همسر دائمی خود با قسم جلاله بگوید: و الله تا فلان مدت با تو هم‌بستر نخواهم شد و اگر مدت بیش از چهار ماه بود شرعاً آن را ایلاء گویند» (۳۷). روایات باب ایلاء نشان می‌دهد که تا چهار ماه با چنین مردی از جانب حاکم شرع برخورد نمی‌شود اما پس از گذشت چهار ماه پیگیری قضایی امکان‌پذیر است. حاکم شرع او را احضار می‌کند تا با پرداخت مبلغی که با همسرش مصالحه می‌کند، با او رابطه برقرار کند و یا حاکم او را مجبور به طلاق می‌کند تا زن پس از گذشت عده آزادانه بتواند با همسری دیگر ازدواج نماید. البته در این مدت حقی برای مطالبه زن وجود ندارد (۱۰). تمام این احکام در مواردی است که زن در صورت برآورده‌نشدن نیاز جنسی‌اش، خود را آلوده به گناه نکند (۳۸).

به‌رحال این روایات در مقام بیان این مطلب است که در وسط دعوای خانوادگی، قهر و طلاق عاطفی نمی‌توان زن را بیش از چهار ماه معطل گذاشت. اما در زندگی سالم و شرایط غیربحرانی، مرد باید به همسر رسیدگی جنسی کند؛ ولی این باید به‌معنای حقی که ضمانت اجرا و قابلیت پیگیری قضایی داشته باشد نیست، بلکه ارشاد به حکم عقل است. عقل انسان می‌فهمد که برای اصلاح، ایجاد انس و الفت بیشتر و

رابطه جنسی امری نسبی است، برطرف می‌شود. چنانچه گفته شود رابطه‌ای کم یا زیاد است، در یک پیوستار قابل‌تصور است و برای هر فرد و با توجه به شرایط زمینه‌ای، فردی و اجتماعی هر فرد کم یا زیادبودن رابطه جنسی معنی خواهد داشت. اگرچه در روایات به‌صورت ضمنی آمده است که از اخلاق پیامبران رابطه جنسی فراوان است، ولی این به‌معنی افراط و زیاده‌روی در این مسئله نسبت به غیر پیامبران نیست. به نظر می‌رسد هدف اصلی از بیان این احادیث، زدودن این اندیشه است که: «رابطه جنسی به‌طور کلی با اخلاق، سیر و سلوک، کمال، قداست و... در تنافی است». این روایات نه‌تنها اصل رابطه جنسی را امری پذیرفته‌شده از جانب انسان‌های کامل و الهی می‌دانند بلکه راه و روش خوبان را در رابطه جنسی چیزی بیش از رابطه‌های کم‌رنگ و دیربهدیر معرفی می‌کنند. از این‌رو دفعات آمیزش برای هر کسی بسته به اندازه توانایی و شرایط دیگر امری پسندیده است.

#### دسته چهارم: وظایف و حداقل‌های جنسی

دسته دیگر روایات مربوط به وظایف زناشویی همسران است. وجه اشتراک این مجموعه وسیع روایی «توجه به نیازهای یکدیگر» است. در این دسته دو گروه روایت وجود دارد؛ گروه اول روایاتی که وظایف زن را بیان کرده است و گروه دوم روایاتی که به وظایف جنسی مرد اشاره دارد.

#### گروه اول روایات مربوط به وظایف جنسی زن

به‌دلیل سرعت تحریک‌پذیری و پیامدهای ناگوار بی‌توجهی زن به نیاز جنسی مرد، توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی نسبت به رعایت حقوق جنسی مرد شده است (۳۴). اینکه «در هر زمان و در شرایطی که تن‌دادن به خواسته مرد ممکن باشد، به آن مبادرت ورزد» (۳۵) و «نباید درخواست جنسی همسرش را به تأخیر بیندازد» (۳۶). همچنین «آراستگی خویش را حفظ نماید و خود را روزانه دو بار به همسر عرضه کند» (۳۵) و هنگام خواب توجه همسر را به خود جلب کند (۲۷).

#### گروه دوم روایات مربوط به وظایف جنسی مرد

احادیثی که در ابواب مرتبط با حقوق زن و وظایف مرد نسبت به وی آمده است غالباً به حقوق جنسی زوجه اشاره‌ای ندارد اما در میان برخی ابواب مرتبط با تعدد زوجات وظایف مرد نسبت به نیازهای جنسی همسر بیان شده است. برای نمونه در تعدادی از روایات آمده است که «اگر مردی چند همسر اختیار کند و نتواند به نیاز جنسی آنان رسیدگی کند و درنهایت به‌دلیل بی‌توجهی او، زن به گناه افتد سهمی از گناه

فراهم‌شدن رضایت زناشویی، باید مرد نیز به خواسته‌های جنسی همسر خود رسیدگی کند (۳۹). چنانچه در روایتی امر شده است که حداقل در هر چهل روز یک‌بار با کنیز خود نزدیکی انجام شود. اگر با کنیز که غالباً حقوق کمتری نسبت به همسر آزاد دائم دارد، باید این چنین رفتار شود به طریق تنقیح مناط باید به نیازهای جنسی و عاطفی همسر دائم رسیدگی نمود.

#### تحلیل و بررسی روایات دسته چهارم

همان‌طور که از واژه وظیفه مشخص است یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی برآمده از این روایات، رعایت عدالت است. اینکه مرد و زن به حقوق یکدیگر توجه کنند. توجه به حقوق متقابل زوجین تأثیر ویژه‌ای بر تحصین و حفظ پاک‌دامنی همسران دارد. در سخنان گران‌بهای اهل بیت (ع) راهکارهایی وجود دارد که به کاربرستن آنها در زندگی مشترک، خانواده را از عوامل انحراف همچون حصن و دژی محکم مصون خواهد داشت. این راهکارها عبارت است از: اظهار محبت و علاقه (۱۰، ۱۹)، توجه به آراستگی ظاهری خود (۱۰، ۱۹)، اعلام آمادگی برای رابطه و پاپس‌نکشیدن از آن (۲۷، ۳۶)، پیش‌نوازی (۴۰) و برانگیختن (۴۱). در صورت کم‌توجهی به نیازهای جنسی و عاطفی همسر، احتمال لغزش، سرکوب تمایلات زیستی و دیگر واکنش‌ها می‌رود که در این صورت زندگی با خطرانی مانند سردی روابط، کدورت و جدایی مواجه خواهد شد.

اصل اخلاقی دیگری که از این روایات نیز استفاده می‌شود، اصل اخلاقی احترام و کرامت است. بر این اساس باید از آسیب‌هایی که رفتار جنسی بر جسم یا روح شریک زندگی وارد می‌کند، جلوگیری کرد. مثلاً در انتخاب حالت‌های<sup>۱</sup> جنسی نمی‌توان از شریک جنسی رفتاری را درخواست نمود که بی‌احترامی به او تلقی شود. همچنین تعدد آمیزش و زمان‌نشناسی در رابطه اگرچه بنا بر اصل اولیة فقهی مجاز باشد، اما عناوین ثانویه مانند بی‌احترامی، آزار و اذیت همسر، فشارهای روحی و روانی و... می‌تواند در تغییر حکم اولیه تأثیرگذار باشند.

سومین اصل اخلاقی که روح مشترک روایات مربوط به حقوق زناشویی است اصل عشق‌ورزی و محبت است. رعایت این اصل موجب می‌شود نیازی به مطالبه حق از جانب طرفین نباشد بلکه به صورت خودکار هر کدام به وظایفشان و بلکه بیش از آن تن دهند. قرآن کریم نیز یکی از مهم‌ترین عوامل

علاوه بر همه آثار مثبتی که علاقه طرفینی بر تحکیم رابطه دارد، ایجاد جاذبه جنسی، آمیزش و در نتیجه فرزندآوری نیز از فواید مودت و رحمت است. همان چیزی که فلسفه اصلی جاذبه بین جنس زن و مرد و ازدواج آنان بوده است (۴۳، ۴۴). از سوی دیگر، رابطه جنسی خوب هم می‌تواند بر این صمیمیت و دوستی بیفزاید و رضایت زناشویی را در پی داشته باشد. با توجه به این اصل باید توجه داشت که میزان آمیزش جنسی بر افزایش محبت و علاقه دوطرفه چه اثری می‌گذارد؛ چنانچه موجب دل‌زدگی، دلخوری و ناراضی زناشویی باشد باید از روابط متعدد و آزاردهنده اجتناب نمود.

#### تبیین کدهای اخلاقی مبتنی بر نگاه هنجارشناختی

کدهای اخلاقی باید مبتنی بر اصول اخلاق جنسی ساخته و پرداخته شود. اگرچه این اثر به دنبال استنباط و تبیین اصول اخلاق جنسی نبوده است اما اصول اخلاقی عدالت، اعتدال، خویش‌داری و عفت، کنترل نفس و تقوا، کفاف و قناعت‌ورزی، عشق و محبت، کرامت و احترام را می‌توان از روایات پیشین دریافت نمود.

بر مبنای کدهای استخراج‌شده از این اصول، رابطه جنسی مطلوب دارای مرزهای اخلاقی است و باید به حداقل و حداکثر آن توجه نمود. جدول ذیل کدهای اخلاقی را در این باره نمایش می‌دهد.

<sup>۱</sup>)position



کد اخلاقی	اصل اخلاقی
۱	هیچ‌یک از زوجین نباید به دیگری نگاه ابزاری داشته باشند. بنابراین نباید تنها به فکر ارضا و لذت‌جویی‌های خویش باشند بلکه باید زمینه را برای کامجویی یکدیگر فراهم کنند.
۲	به‌منظور ایجاد رضایت زناشویی، زوجین وظیفه دارند تعدد رابطه و تنوع‌طلبی در رفتار (پوزیشن و...) را برای همسرشان تأمین کنند. فراگیری روش‌های آمیزش و دیگر مقدمات از لوازم این حکم اخلاقی است.
۳	رابطه زناشویی باید بر اساس علاقه و محبت طرفین به یکدیگر شکل گیرد. بنابراین، رابطه جنسی اجباری، همراه خشونت، بدون پیش‌نوازی و ابراز محبت، ناروا است.
۴	تعداد آمیزش، فواصل بین آن و شکل رابطه نباید آثار زیان‌باری بر جسم و روان زوجین بگذارد و موجبات آزردن شدن آنان را فراهم آورد. از این‌رو توجه به سلامتی عمومی و توان بدنی که زمینه‌ساز یک رابطه خوب است از نظر اخلاقی ضرورت دارد.
۵	میزان رابطه جنسی زوجین نباید آنان را از وظایف مادی و معنوی نسبت به افراد خانواده بازدارد.
۶	روابط جنسی پی‌درپی نباید مانع از انجام وظایف دیگر بشود. از این‌رو چنانچه آمیزش‌های مکرر انسان را نسبت به وظایف فردی و اجتماعی سرد یا کم توان کند، باید اصلاح گردد.
۷	یکی از پایه‌های اصلی حکم اخلاقی نیاز است و انسان برای برطرف کردن نیاز جنسی خود باید تلاش کند. شناخت، آموزش، تقویت بدن، اصلاح برنامه غذایی و برنامه‌ریزی از جمله اموری است که باید به آنها توجه شود.
۸	از توجه بیش‌از اندازه به مسائل جنسی که موجب کم‌توجهی به جنبه‌های معنوی خویش بشود باید اجتناب شود.
۹	از حرص و ولع نسبت به رابطه جنسی که موجب نآرامی روحی و روانی شود باید پرهیز شود.
۱۰	انسان نباید آنچنان شیدای رابطه جنسی باشد که بر اثر دست‌نیافتن به آن حزن و اندوه او را فراگیرد و عقل او زائل شود.
۱۱	انسان باید تلاش کند که شهوت و میزان رابطه جنسی‌اش از کنترل او خارج نشود.
۱۲	زوجین باید به کسب آگاهی و ایجاد توانایی و مهارت در چگونگی ارضای نیازهای شریک جنسی‌شان مبادرت ورزند.
۱۳	در صورت وجود مشکلات جنسی باید به توصیه‌های پزشکی برای ایجاد یک رابطه سالم و ارضاکنده عمل کنند. مثلاً برخی مشکلات هورمونی یا بیماری‌های مربوط به کبد ممکن است به خواسته‌های جنسی فراوان بینجامد؛ در این صورت باید به درمان آن مبادرت ورزید.
۱۴	در رابطه باید طرفین به شرایط خاص روحی و جسمی یکدیگر توجه کنند و با مطلوب کردن شرایط به رابطه‌ای لذت‌بخش کمک کنند.
۱۵	روابط جنسی متنوع با همسر باید عقیقانه، به‌دور از بی‌احترامی و بر اساس خواست طرفین باشد.
۱۶	نگاه‌های غیرمنضبط و هوس‌آلود (به عکس‌های مستهجن و فیلم‌های پورن و چشم‌چرانی) که حس تکثرطلبی بیمارگونه را تحریک می‌کند، مجاز نیستند.
۱۷	به‌منظور ایجاد عشق زوجین باید به‌دنبال راه‌های آرامش‌بخشیدن به شریک زندگی خود باشند و فضایی به‌دور از تنش را در زندگی ایجاد کنند.
۱۸	زوجین باید به تفاوت‌های غالبی زن و مرد در نیاز جنسی اهمیت دهند و در قضاوت اخلاقی درباره یکدیگر به این نکته توجه کنند. برای مثال زن با نگاه سهل‌گیرانه‌تری به درخواست‌های مکرر شوهر و مرد نیز به همین صورت نسبت به کم‌توجهی و سردی رابطه جنسی همسرش بنگرند.
۱۹	هر یک از زوجین به‌منظور ایجاد رضایت زناشویی، خود را در جایگاه دیگری تصور کند و با پیش‌دستی کردن نیازها و خواسته‌های جنسی دیگری را برآورده کند.
۲۰	درخواست تکرار رابطه در صورتی که همسر در شرایط مطلوب نیست مثلاً بیمار است یا به‌دلیل ضعف قوای بدنی توانایی رابطه‌های متعدد را ندارد، نباید انجام گیرد.

جنسی امری پسندیده است و چنانچه این رفتار در چارچوب عقل، عرف و شرع صورت پذیرد، آثار خوشایندی بر فرد و به‌طور کلی جامعه خواهد گذاشت. از نتایج این پژوهش آن

بر اساس نظام هنجاری اسلام برطرف‌نمودن نیازها از جمله نیاز

خیر. اخلاق به‌عنوان یک سنجۀ تعالی‌گرایانه موجب می‌شود علاوه بر تعیین مرزهای رابطه جنسی، این رابطه متّصف به «بهنجار» شود. به این صورت فرض اولیۀ پژوهش که «تأثیر مثبت اخلاق و زیست اخلاقی بر مقدار رابطه جنسی مطلوب است» به اثبات رسید. اگرچه منشور اخلاقی و کدهای اخلاقی در این پژوهش صرفاً برای مشخص‌نمودن مرزهای اخلاقی رابطه جنسی زوجین و تعیین حداقل و حداکثر رابطه نگاشته شده است؛ لیکن به جهت ثبات اصول به‌کاربرده‌شده در آن، قابل‌تعمیم به دیگر مسائل اخلاق جنسی است.

### محدودیت‌های پژوهش

از محدودیت‌های پیش روی محققان در این پژوهش می‌توان به این مورد اشاره کرد که احادیث و ادله مرتبط با مسئله به‌صورت مستقل در مجموعه‌های روایی جمع‌آوری و دسته‌بندی نشده است. بنابراین، یافتن آنها به سادگی میسر نبود و پژوهش با صرف زمان و انرژی بیشتر از حد معمول مواجه بود.

### پیشنهاد‌های پژوهش

در جهت محدودیت ذکرشده، محققان جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام احادیث مرتبط با مسئله در مجموعه‌های روایی و تبیین اصول عقلایی و کدهای اخلاقی در بیان معصومان (ع) را در این زمینه پیشنهاد می‌کنند.

### قدردانی

مؤلفان مقاله از تمام افرادی که در به‌ثمررسانی این پژوهش یاریگرشان بوده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنند.

### حامی مالی

بنا بر اظهار مؤلفان مقاله، این پژوهش با هزینه شخصی مؤلفان انجام شده و حامی مالی نداشته است.

### تضاد منافع

مؤلفان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی درباره این پژوهش گزارش نکرده‌اند.

### مشارکت مؤلفان

است که روایاتی که درباره مقدار آمیزش جنسی از منابع شیعی به دست ما رسیده است، هیچ‌گونه تعارضی نداشته و آنچه به‌صورت تعارض‌نما تصور شود، به‌علت درک‌نکردن صحیح از مفاد و حال روایت است (۴۵). از یک سو روایاتی که در مذمت کثرت آمیزش جنسی است ناظر به شهوت‌رانی و حال بیمارگونه فرد است. از سوی دیگر، روایاتی که در مدح کثرت آمیزش جنسی است به‌معنای افراط در روابط جنسی و روابط افسارگسیخته نیست. آنچه اهمیت دارد این است که رابطه جنسی در یک پیوستار قابل‌تصور است و مفاهیمی چون کثرت و قلت از مفاهیمی است که به‌شدت و ضعف رابطه نظر دارد و نمی‌توان به ظاهر آنها اکتفا نمود. اگرچه استدلال‌ها و شیوۀ پرداختن به این روایات از نوآوری‌های پژوهش حاضر است لیکن ایده قبیح‌زدایی از روابط جنسی در بسیاری از پژوهش‌های مربوط به اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام وجود دارد. از جمله این آثار می‌توان به آثار مطهری (۴۶)، متقی‌فر (۴۷)، فقیهی (۴۸) و از همه پررنگ‌تر پژوهش یزدانی (۴۹) توجه نمود.

از روایاتی که درباره موضوع این پژوهش بود، اصول کلی اخلاق جنسی استنباط شد. بر اساس این اصول فرد بهتر می‌تواند میزان مطلوب و درست رابطه خود را تشخیص دهد. این اصول اخلاقی عبارت است از عدالت، کرامت و احترام، عفت، مؤدّت و رحمت. اگرچه تمرکز این پژوهش بر محدوده مشخصی از روایات در حیطه مسائل جنسی بوده است، اما باوجوداین، اصول اخلاق جنسی که از این روایات برداشت شده است با پژوهش دیگری که با هدف شناخت اصول اخلاق جنسی اسلام نگاشته شده است کاملاً همپوشانی دارد (۵۰). همچنین این یافته‌ها با پژوهش فقیهی درباره اصول تربیت جنسی که درحقیقت بسیاری از آنها اصول اخلاق جنسی است، همسو است (۳۳).

در این پژوهش کدهای اخلاقی و وظایف عینی مبتنی بر اصول اخلاقی تدوین شده است. بنابراین روایی این کدها بیش از هر عامل دیگری به روایی اصول تکیه دارد. وقتی هر فرد نسبت به وظیفه اخلاقی خود به‌طور معین، آگاه باشد و عزم برای انجام وظیفه را نیز داشته باشد مستلزم اجتناب از برخی رفتارها است. این محدودیت همان محدودیت اخلاقی برای تعدد/تکثر روابط است. در اینجا باید و نباید اخلاقی به فرد می‌گوید که با توجه به شرایط زمینه‌ای و محیطی و با در نظر گرفتن حقوق و شأن اخلاقی افراد دیگر، تصمیم بگیرد که آیا رابطه جنسی به‌صورت متوالی و متعدد داشته باشد یا

19. Harrani H. Tohaf al-Oghool. Qom: Islamic Publications Office; 1984.
20. Mofid M. al-Ershad. Qom: al-bait 1992.
21. Ebn-e Asir-e Jazari M. al-Nehaayat fi Gharib al-Hadhth va al-Asar. Qom: Esmailiyan; 1989.
22. Ebn-e Babevayh M. al-Khesal. Qom: Islamic Publications Office; 1983.
23. Khalil F. Ketab al-Ayn. Qom: Hejrat; 1988.
24. Ahmad F. Mesbah al-Monir. Qom: Dar al-Hejr; 1993.
25. Toosi M. al-Nehayat. Qom: Esmailiyan; 1989.
26. Majlesi MM. Merat al-Oghool. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamia; 1983.
27. Tabarsi H. Makarem al-Akhlagh. Qom: Dar al-Sharif al-Razi; 1991.
28. Maghrebi GN. Daaem al-Eslam. Qom: al-Bait 2006.
29. Tarihi F. majma al-bahrain. Tehran Mortazavi; 1996.
30. Koleyni M. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamia; 1986.
31. jefa CrS. Human Sexual Nature: The Ups and Downs of Sexual Relationships from Prehistory to the Present. online publication 2013.
32. Nouman Ebn h. Daaem al-islam. Qom: Al al-Bait 2006. 193 p.
33. Faghihi A. Sex Education: Basics, Principles and Methods from the Perspective of Quran and Hadith. Qom: Dar Al-Hadith; 2013.
34. Mohaghegh Khorasani MK. Kefayat al-Osool. 1 ed. Qom: al-Bayt (as) Institute; 1989.
35. Horr Ameli M. Vasayel al-Shia. Qom: Al al-bait; 1988.
36. Horr Ameli M. Hedayat al-Omma. Mashhad: Majma al-Bohooth al-Islamia; 1993.
37. Mohammad Ebn b. Translation of man la yahzorho al-faghih. Qom: Islamic Publications Office; 1988. 221 p.
38. Tabatabaei Yazdi SMK. al-Orvat al-Vothgha. Beirut: al-Ami 1988.
39. Fani M, Abdoljabari M, Esmaeili M, Karamkhani M. The Role of Religion Course lecturers in moral health promotion of students. Journal of Research on Religion & Health. 2015;1(4):55-62.
40. Imam Reza A. Teb-o- AIEmam Alreza (Alresaleh Alzahabiyeh). Qom: Dar-Alkhiam; 1982.
41. Toosi M. Tahzib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia; 1986.

پیشینه پژوهش: مؤلف اول، روش کار: مؤلف دوم، بحث و نتیجه‌گیری: مؤلفان سوم و چهارم.

## References

1. Pourabbasi A, Qavam SE, Shirvani M-SE. Eliciting physical-behavioral strategies for adolescents' management of their sexual drive/behavior from Islamic resources (the Quran and Hadith) and experimental studies. J Res Relig Health. 2017;4(1):93-103.
2. Taghian H. Management in sexual relations. Qom: Hassanin.p.64; 2014.
3. Marty MS, Borgert C, Coady K, Green R, Levine SL, Mihaich E, et al. Distinguishing between endocrine disruption and non-specific effects on endocrine systems. Regulatory Toxicology and Pharmacology. 2018;99:142-58.
4. Karami M. The norm of Islamic sexual ethics. Knowledge. 2017(239).
5. Ghara-Maleki A. Professional Ethics. Qom: Majnoon; 2006.
6. Rouhani MS. Teamwork Ethics. Qom: Institute of Higher Education, Ethics and Training; 2014.
7. Mostafavi H. al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989.
8. Ebn-manzoor M. lesan al-Arab. Beirut: dar al-fekr 1993.
9. Parsania H. Analysis and Comparison of intellect and quotation relation from the Ibn Taymiyyah and Ayatollah Javadi Amoli Viewpoint. Isra Hikmat. 2018;9(2):5-35.
10. Koleyni M. al-Kafi. Tehran: Dar al-kotob al-Eslamia.
11. Sharif-Razi M. Nahj al-Balaghah. 1988.
12. Varra-ebn-abi-fares M. Tanbih al-khavater. Qom: Maktaba al-Faghih; 1989.
13. Tamimi-Amedi A. Ghorar-al-Hekam. Qom: Dar al-Ketab; 1989.
14. Noori H. Mostadrak al-Vasayel. Qom: al-Bait; 1987.
15. Majlesi M. Rozat al-Motaghin. Qom: Koshanpoor; 1985.
16. Qomi A. Tafsir al-Qomi. Qom: Dar al-Ketab; 1983.
17. Ebn-e Babevayh M. Man La Yahzor-al-Faghih. Qom: Islamic Publications Office; 1992.
18. Zamakhshari M. Asas al-Balagheh. Beyrut: : Dar al-Sadre; 1979.

42. The Holy Quran. Translated by Naser Makarem Shirazi. Tehran: Dar Al-Quran Publication; 2017.
43. Tabatabaei SMH. Al-mizan. Qom: Islamic Publications Office; 1996.
44. Faz-allah MH. Men Vahy al-Quran. Beirut: : Dar al-Molk; 1998.
45. Mohaghegh Khorasani MK. Kefayat al-Osool. 1 ed. Qom: al-Bayt (as) Institute; 1989.
46. Motahari M. Sexual Ethics in Islam and the Western World. Tehran: Sadra; 2015.
47. Mottaqififar Gh. Daramadi dar Nezam-e Akhlaghe Jensi dar Eslam. Qom: Educational Institute Imam Khomeini Research; 2009.
48. Faghihi A, Ghobari Bonab B, Ghasemipoor Y. Comparing Islamic multifacets model with Beck's cognitive model in depression therapy. Studies in Islam and Psychology. 2008;1(1):69-86.
49. Yazdani A. Azadi: Tahlili az Azadi va Akhlaghe Jensi 1998.
50. Karami M. The dimensions and challenges if desire for sexual variety. Qom: Institute of Higher Education, Ethics and Education; 2016